

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جمعیت‌گزیزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: پادناهی سفلی، سمیرم)

عباس امینی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان*

تهمینه برومند، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

چکیده

جامعه روستایی ایران پس از ورود معنادار نفت به اقتصاد ملی و تجربه ناموفق اصلاحات ارضی، مرحله جدیدی از مهاجرت جمعیت خود به شهرها را آغاز و تجربه نمود که بعد از انقلاب اسلامی دهه پنجاه و متعاقب آن وقوع جنگ تحمیلی، همچنان ادامه دارد. از منظر جهانی نیز انقلاب صنعتی و رویکرد غالب توسعه صنعتی برآمده از آن و سپس انقلاب اطلاعات و ارتباطات در عصر حاضر، به نابرابری‌های بین جوامع پیشروتر شهری و جوامع کم‌توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم شدت بخشید. رویکرد غالب جامعه روستایی در مواجهه با چنین شرایط نامطلوب ملی و بین‌المللی و تعامل گسترده و پیچیده بین آنها، افزودن بر دامنه مهاجرت‌های روستاشهری به شکل گریز از روستا به شهر بوده و در این گریز، ناگزیر هر دو جامعه مبدأ و مقصد را با نارسایی‌هایی مواجه ساخته است. هدف مطالعه حاضر، واکاوی علل و انگیزه‌های مهاجرت و گریز جمعیت از منطقه روستایی پادناهی سفلی از توابع شهرستان سمیرم به شهرها، از منظر جامعه‌شناختی است. جامعه آماری پژوهش را دو بخش ساکنان روستاهای بیشتر در معرض مهاجرت منطقه و همچنین مهاجران این روستاها به شهرهای مختلف کشور (شهرضا، عسولویه، اصفهان، شیراز و مشهد) تشکیل می‌دهد. تحلیل داده‌های به‌دست آمده از عملیات گسترده میدانی در روستاهای مبدأ و شهرهای مقصد نشان داد که به ترتیب متغیرهای اجتماعی و اقتصادی احساس محرومیت نسبی، فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد غیر زراعی و ضعف و کمبود امکانات و تسهیلات، دارای تأثیر معنی‌دار مثبت و نقش برانگیزاننده در تمایل و اقدام افراد به ترک روستا بوده و متغیرهای سن و سرمایه‌های اجتماعی نیز تأثیر معنی‌دار منفی و نقش بازدارنده در روستاگریزی افراد داشته‌اند. متغیر جمعیت‌شناختی تحصیلات، متغیر اقتصادی ضعف بنیان‌های بخش کشاورزی و متغیر محیطی دورافتادگی و موقعیت جغرافیایی نیز فاقد تأثیر معنی‌دار در این رابطه بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: جوامع روستایی، مهاجرت، روستاگریزی، پادناهی سفلی.

Email:

* نویسنده مسؤول: 09131290940

komsh1@yahoo.com

مقدمه

شکل‌گیری روستاها و سکونت جوامع به شکل روستانشینی، سابقه‌ای بیش از نه هزار سال در ایران دارد. طی این زمان طولانی روستاها پیوسته دستخوش تحولات گوناگون و شگرفی واقع شده و توانسته‌اند با مقابله، دست و پنجه نرم کردن، سازگاری و تحمل در مقابل انواع یورش‌ها و ستم‌های داخلی و خارجی و گزندها، بی‌مهری‌ها و مخاطرات طبیعی و انسانی، همچنان حیات اجتماعی و اقتصادی خود را، اگرچه مشقت‌بار و انباشته از محرومیت‌ها؛ اما در هماهنگی، سازگاری و تعامل با طبیعت و محیط تداوم ببخشند. و به این گونه، و البته به مدد عوامل بسیاری که مجال طرح و بحث پیرامون آنها در این نوشتار نیست، الگویی از معیشت و سکونت پایدار را در پویه پرفراز و نشیب تاریخ و پهنه پرتنوع و مخاطره‌جغرافیای این سرزمین گسترده ارائه نمایند. در روزگار جدید و عصر و زمانه‌ای که با فراگستری اطلاعات و ارتباطات نامیده و شناخته می‌شود و تقریباً همه بنیادهای کلان زندگی و حیات اقتصادی و اجتماعی جوامع در آن، در بستری جهانی شده جریان یافته است، بی‌آنکه یورش و گزند از آن انواع که سابقه‌آشنایی و همزیستی با آنها در حافظه تاریخی روستاها و روستاییان این سرزمین وجود دارد، در کار باشد؛ با تهدیدهای تازه پدیده و پرنفوذی مواجه گشته‌اند که سازوکارهای مقابله و مواجهه پیشین کارآمدی خود را یکسره از دست داده و با تأسف بسیار، آرام آرام و به‌طور فزاینده جمعیت خود را و در پی آن پویایی حیات و شیرازه و سامان سکونتگاهی خود را از دست می‌دهند و به این گونه از خط سیر تاریخی دوام و پایداری، به حیات بی‌رُمق و بی‌رونقی با دورنمای نابودی می‌گریند. حالت و وضعیتی که از مقوله شناخته شده و از دیرباز آشنای «مهاجرت‌های روستاشهری»^۱ فراتر است. طبق تعریف (Zax, 1994) جابه‌جایی جمعیت زمانی مهاجرت محسوب می‌شود که فرد محل زندگی و کار دائمی خود را ترک و مکان جدیدی برای کار و زندگی انتخاب کند. تشدید دامنه این مهاجرت‌ها در دو بعد، یکی گسترش آنها از مهاجرت‌های فردی به

مهاجرت‌های خانوادگی و دیگری گسترش آنها در سنین جوانی و میانسالی، علاوه بر کاستن شدید از حجم جمعیت، هم در زمان وقوع و به‌ویژه در آینده، شاکله و ساختار اجتماعی جمعیت‌های روستایی را از طریق کاستن و از بین بردن نرخ باروری و ساختار و بنیان اقتصادی این جوامع را از طریق کاستن و از بین بردن نرخ بازدهی و بهره‌وری، دچار ضعف و وضعیتی واپس‌گرا می‌نماید، که به لحاظ جمعیت‌شناختی می‌توان از آن با عنوان «جمعیت‌گریزی روستایی»^۲ نام برد. روندی که تداوم آن در هر نقطه روستایی نهایتاً به از دست دادن و خالی شدن روستا از سکنه یا اصطلاحاً «تخلیه روستایی»^۳ می‌انجامد. در همین راستا، تمایل افراد به ترک روستا یا تمایل به جمعیت‌گریزی روستایی را، که نوعی نگرش و حالت و وضعیتی روان‌شناختی محسوب می‌شود، می‌توان با عنوان «روستاگریزی» نام برد. مسلم است که چنین وضعیت یا نگرشی را هم در میان افرادی که روستا را ترک گفته و دست به مهاجرت زده‌اند، به‌صورت دائم یا به‌ویژه به‌صورت موقت، می‌توان سراغ گرفت و هم در رابطه با افرادی که ساکن روستا بوده و به هر دلیلی روستا و زندگی روستایی را ترک نگفته‌اند. عکس این حالت یا چنین نگرشی را نیز می‌توان «روستاگرایی»^۴ نامید.

با مرور گذرایی بر تاریخ اجتماعی چند دهه اخیر جامعه روستایی ایران، سه مرحله اصلی ناشی از سه تحول تأثیرگذار عمده بر روند مهاجرت‌های روستایی قابل تشخیص و ذکر هستند. تا قبل از دهه چهل، شهرها با امکانات اقتصادی-اجتماعی محدود، توانایی چندانی برای جذب مهاجر نداشته و به علاوه سامان اقتصادی و اجتماعی روستاها نیز دچار تلاطم و گسست نشده بود. مهاجرت‌ها تا این زمان روند بسیار کندی داشت و تنها به چند شهر بزرگ محدود می‌شد. اصلاحات ارضی در سال 1342 سرآغاز مرحله دوم تا سال 1357 است. از هم پاشیدن شیرازه ساختار اقتصادی و به‌ویژه اجتماعی جوامع روستایی بر اثر اصلاحات ارضی، فزونی بی‌سابقه درآمدهای نفتی

² rural depopulation

³ rural exodus

⁴ ruralism

¹ rural-urban immigration

کاهش فقر و بهبود درآمد خانوارهای روستایی را خاطر نشان کرده‌اند. بر این اساس، اشتغال مهم‌ترین پیامدی است که می‌تواند جریان مهاجرت‌های روستایی را تعدیل کند و تمایل روستاییان به ماندگاری در روستاها را افزایش دهد (Guadry, 1997). بهره‌وری و سامان بخشی کشاورزی نیز در کشور ما نیازمند ماندن روستایی و به‌ویژه نیروهای جوان، خلاق، آموزش‌پذیر، ریسک‌پذیر و پویا در روستاست، در حالی که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به‌طور معنی‌داری به سالخوردگی و میانگین سنی شاغلان این بخش در مقایسه با سال‌های گذشته و در مقایسه با بخش‌های دیگر فعالیت‌های اقتصادی به‌طور مرتب افزایش یافته است (ایاکوینتا، 1379: 16).

طرح مسأله

در شهرستان سمیرم نارسایی‌های زیادی متوجه زیرساخت‌های اشتغال و رونق اقتصادی، به‌ویژه در مناطق روستایی است. محدودیت‌های جغرافیایی و دسترس‌پذیری، ضعف و ناتوانی بخش صنعت در فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال برای نیروی کار مازاد بخش کشاورزی، ضعف زیرساخت‌های خدماتی، از قبیل: آب و برق و بهداشت؛ به‌ویژه در روستاهای زیر 20 خانوار که بیش از 30 درصد روستاهای شهرستان را شامل می‌شوند، وجود زمینه‌های اشتغال و درآمد نسبی بهتر در شهرها و مناطق همجوار و عوامل بسیار دیگر، مهاجرت‌های روستایی در این شهرستان را در دهه‌های اخیر تشدید نموده است. اثرگذاری گسترده و تعامل پیچیده عوامل شناخته شده و ناشناخته بسیار به خالی از سکنه شدن شماری از روستاهای منطقه و خالی شدن بسیاری دیگر، از نیروهای فعال و کارآمد و راهی شدن آنها به شهرهای استان عموماً به‌صورت مهاجرت‌های دائمی خانوادگی و دیگر مناطق کشور؛ به‌ویژه عسویه به‌صورت مهاجرت‌های فصلی و انفرادی منجر شده است.

دهستان پادناهی سفلی در جنوبی‌ترین قسمت سمیرم، به عنوان جنوبی‌ترین شهرستان استان اصفهان، با اینکه نسبت به دیگر نقاط روستایی شهرستان از موقعیت و فرصت‌های

و ورود آن به اقتصاد کشور، حاکمیت الگوی توسعه صنعتی بر برنامه‌ریزی‌های ملی، تجددطلبی و حمایت‌های بی‌شائبه نظام سیاسی حاکم از شهرنشینی و سبک زندگی شهری و بی‌توجهی‌های گسترده به روستاها در برنامه‌های عمرانی کشور همراه با فراهم شدن نسبی زمینه کار در شهرها، به شدت و دامنه مهاجرت‌های روستاشهری در این دوره افزود. در دوره سوم؛ یعنی از 1357 به این سو، علاوه بر تداوم موارد فوق (بجز مورد بی‌توجهی به روستاها)، وقوع و تداوم هشت ساله جنگ تحمیلی و پس از آن نابسامانی اوضاع اقتصادی و سیاست‌های برنامه‌ریزی کشور با تعمیق تقابل بین شهر و روستا و تضعیف بنیه اقتصادی روستاها، زمینه مهاجرت‌های بیشتر روستاشهری را فراهم و آن را تشدید نمود. کاهش جمعیت روستایی ایران بر اثر مهاجرت‌های گسترده که از دهه 1340 آغاز شده بود، از سال 1365 وارد مرحله جدیدی شد و برای اولین بار نسبت جمعیت بین مناطق روستایی و شهری دگرگون گشت و از آن پس نسبت شهرنشینی با نرخ فزاینده بر نسبت روستانشینی پیشی گرفت. این تحول در استان اصفهان یک دهه زودتر از کل کشور صورت پذیرفت.

مهاجرت‌های روستایی عمدتاً از عدم زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات زیربنایی مناسب در روستاها از یک سو و انتظار درآمد و اشتغال به همراه وجود خدمات و تسهیلات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برتر در شهرها از سوی دیگر، متأثر می‌گردد (زنجانی، 1380: 229). به‌طورکلی، فقر، پایین بودن درآمد و بیکاری و به تبع آن مهاجرت، از مهم‌ترین مسائل پیش روی جامعه روستایی است. چنانکه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل (UNESCAP, 2001) بیان می‌کند، از جمله دلایل تاریخی غفلت از فقر روستایی و دلایل و عوامل اقتصادی و اجتماعی آن، تأکید بیشتر به‌ویژه از سوی حکومت‌ها بر نرخ بالای رشد جمعیت به عنوان عامل اصلی فقر و در نتیجه، برنامه‌ریزی‌هایی برای کاهش فقر از طریق کنترل جمعیت است. مسلماً بخش عمده این تلاش‌ها نیز همواره متوجه جوامع شهری بوده است. مطالعات بسیاری اهمیت فعالیت‌های غیرکشاورزی در

نبوده و نه تنها توانمندی آنها برای افزایش کمیّت و کیفیت محصول را رو به تحلیل می‌برد؛ حتی گاه مجبور به فروش دارایی‌های خود نیز می‌شوند.

جدول (1) فراوانی و تحولات جمعیتی منطقه، شامل تعداد روستاها و ترکیب آن، تعداد خانوار، تعداد جمعیت، بعد خانوار و نرخ رشد جمعیت را طی ربع قرن اخیر و به تفکیک دوره‌های سرشماری نشان می‌دهد.

اقتصادی، زیرساخت‌های خدماتی، فاصله کم تا مرکز شهرستان و منابع آب و خاک نسبتاً مناسبی برخوردار بوده که زمینه‌ساز اجرای طرح‌های کشاورزی زیادی هم شده، همچنان شاهد مهاجرت‌های گسترده خانوادگی و انفرادی و تهدید جمعیتی شماری از روستاهای خود بوده است. کاستی‌ها و نارسایی سازمان تولید روستایی در رابطه با کشاورزان باغ‌های سیب منطقه نیز با وجود تجاری بودن تولید این محصول تا حدی است که درآمد حاصل از آن پاسخگوی بخش وسیعی از نیازهای آنان

جدول 1- فراوانی و تحولات جمعیت روستایی منطقه مورد مطالعه (دهستان پادانای سفلی) از 1365 تا 1390

سال (دوره سرشماری)	1365	1375	1385	1390
تعداد روستا	25	24	20	20
روستای بالای 20 خانوار	18	19	17	17
تعداد خانوار	2190	2216	2487	2777
تعداد جمعیت	12352	11660	10401	9343
بعد خانوار	5/64	5/26	4/18	3/36
نرخ رشد (درصد)	-0/57	-1/14	-2/12	
نرخ رشد کل دوره				-1/11

(ماخذ: محاسبات نگارنده بر اساس نتایج سرشماری‌های مرکز آمار ایران)

در مقاطع 65 و 75، که در فاصله 75 تا 85 به شهر تبدیل شده، در نظر گرفته نشده است. افزون بر این، تعدادی از روستاهای منطقه نیز به دلایل زیست-محیطی از جمله وجود درصد بالای اورانیوم در منطقه یا کوهستانی و صعب‌العبور بودن، طی دهه 1375 تا 1385 به طور کامل تخلیه شده و به جای آنها نقاط سکونتگاهی جدیدی (مانند سعادت‌آباد) شکل گرفته‌اند که با روند تکاملی رو به توسعه‌ای، بیشترین جمعیت روستایی منطقه نیز به آنها اختصاص داشته‌اند. درصد شاغلان منطقه نیز بنا بر آمارهای خانه‌های بهداشت روستایی، طی این مدت دارای روند کاهشی بوده است. رانده شدن بخش زیادی از نیروی کار؛ به‌ویژه جوانان از بخش کشاورزی و عدم توسعه و تقاضا در بخش‌های صنعت و خدمات برای جذب آنها، باعث واگذاری زمین به دیگران و رواج مهاجرت‌های گسترده فصلی و دائمی به شهرها شده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود، طی این مدت پنج روستای منطقه تخلیه شده‌اند و از روستاهای بالای 20 خانوار نیز کاسته شده است. از جمعیت روستاهای منطقه مرتباً کاسته شده و نرخ این کاهش نیز با گذشت زمان رو به فزونی بوده است. در کاهش قابل ملاحظه بعد خانوارهای روستایی منطقه طی این مدت نیز علاوه بر کاهش جمعیت، افزایش مرتب تعداد خانوارها هم نقش داشته است. بخشی از افزایش تعداد خانوارها نیز به اسکان خانوارهایی از عشایر منطقه در روستاها مربوط می‌شود که البته جدای از پایگاه‌های اسکان عشایر در بخش‌هایی از شهرستان است. به این ترتیب، افزوده شدن این بخش به جمعیت روستاها نیز نتوانسته است روند افزایشی کاهش جمعیت را تعدیل نماید.

شایان ذکر است که در آمار و ارقام و محاسبات این جدول روستای کُمه به ترتیب با 1658 و 1934 نفر جمعیت

اقتصاد جهانی، شکل‌بندی اجتماعی و نظام‌های تولیدی صورت می‌گیرد. با سرمایه‌گذاری اقتصاد جهانی در بخش‌هایی از کشورهای پیرامونی، این بخش‌ها تا حدی توسعه می‌یابند و بازماندن سایر بخش‌ها از توسعه، به توسعه ناموزون پیرامون می‌انجامد. بر هم خوردن فرایند و نظام تولید و جلو افتادن شهرها از روستاها و بخش کشاورزی، موجب مهاجرت از روستا به شهر می‌شود (همان: 23).

اگرچه برخی معتقدند مهاجرت به عنوان سازوکاری تعادل‌بخش که برآمده از علل ساختاری در کشور و منطقه است، با انتقال نیروی کار اضافی از بخش سنتی و معیشتی کشاورزی و روستا به بخش‌های نوین صنعتی و خدماتی در شهر، زمینه تحول ساختاری به وضعیتی مدرن را که شهر و روستا هر دو از آن بهره‌مند می‌شوند، فراهم می‌آورد، برخی دیگر با تأکید بر عوامل طبیعی برانگیزاننده حرکات جمعیتی، علت اصلی مهاجرت‌های روستاشهری را در زوال محیط زیست و کمبود منابع طبیعی می‌دانند (صرافی، 1381: 9). به هر حال، اگرچه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی به‌طور هماهنگ در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستاشهری مؤثرند؛ اما بی‌تردید عوامل تأثیرگذار در این زمینه از شخصی به شخص دیگر و از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر متفاوت بوده و به همین دلیل است که به اعتقاد سفر و اشتاینورتر (1993) ایجاد تعادل و هماهنگی بین مدل‌های نظری و تجربی، شرطی لازم برای حصول اعتبار نسبی هر مطالعه‌ای در راستای شناخت و تحلیل عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستاشهری به‌شمار می‌آید.

از توسعه اقتصادی به کاهش فقر، نابرابری و بیکاری در اقتصاد تعبیر می‌شود و اگر هدف نهایی توسعه را انسانی‌تر زیستن انسان‌ها بدانیم، تبلور توسعه اقتصادی را باید در رشد پایدار و مستمر استانداردهای زندگی جستجو نمود. ایران به‌رغم بهره‌مندی از ذخایر عظیم انرژی، نیروی کار فراوان و دیگر پیش‌نیازها، در پیگیری و دستیابی به اهداف توسعه موفقیت‌های چندانی نداشته است. این عدم موفقیت به مراتب

شایان ذکر است که آمارهای جمعیتی گزارش شده در جدول (1) مهاجران فصلی منطقه را نیز شامل می‌شود که چنانچه این میزان نیز به درستی شناسایی و از آمارها کسر گردد، دامنه گریز جمعیت از روستاها ابعاد گسترده‌تری هم خواهد یافت.

چارچوب نظری

در نظریه‌های سنتی پیرامون مهاجرت‌های روستاشهری سه دیدگاه کارکردگرایانه یا نوسازی، دیدگاه وابستگی و دیدگاه شکل‌بندی اجتماعی مطرح هستند. در دیدگاه کارکردگرایانه، برای تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت بر عنصر نیازهای اجتماعی تأکید می‌شود. در این دیدگاه، مهاجرت نوعی کارکرد اجتماعی تلقی می‌شود که در جهت کاهش فاصله بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در مکانی دیگر و در نتیجه، کاهش ناهماهنگی‌های ساختاری عمل می‌کند (لهسای زاده، 1368: 11). از منظر مکتب وابستگی و در انتقاد از دیدگاه کارکردگرایی، نظام تمرکزگرا و نابرابر سرمایه‌داری در تدارک و استثمار نیروی کار ارزان علت اصلی مهاجرت قلمداد می‌شود. در نتیجه، این فرایند نه تنها وضعیت بهتر و تحرک اجتماعی صعودی برای مهاجران در مقصد فراهم نمی‌گردد، بلکه این گروه‌ها به‌صورت متمایز و دچار گسست‌های فرهنگی باقی می‌مانند. به این ترتیب، مهاجرت از یک سو معلول توسعه نابرابر است و از سوی دیگر، عاملی در راستای گسترش و تعمیق آن تلقی می‌گردد. دو دسته عوامل در این دیدگاه موجب مهاجرت هستند: عوامل تغییردهنده که با نفوذ سرمایه‌داری در مناطق سنتی و تغییر در فنون تولید، نیروی کار اضافی و بیکار پنهان به‌وجود آورده و آنها را مجبور به مهاجرت می‌کند و عوامل رکودی نیز بر اثر پیشی گرفتن رشد جمعیت از رشد تولیدات کشاورزی، نیروی کار اضافی را مجبور به مهاجرت می‌نماید (همان: 15). البته، این دیدگاه نیز با انتقاداتی مواجه است. در دیدگاه شکل‌بندی اجتماعی که پس از دو دیدگاه قبلی و در نقد آنها شکل گرفت، تبیین مهاجرت در کشورهای جهان سوم با توجه به تعامل سه مؤلفه

از دلایل آن می‌توان به فشارهای موجود در مناطق روستایی به دلیل تطابق نداشتن نیازهای فرد مهاجر با امکانات موجود اشاره نمود (طاهرخانی، 1380: 82). به این ترتیب، احساس فقر و پیدایش احساس بی‌عدالتی یا محرومیت نسبی¹ عامل مؤثری در بروز و گسترش دامنه مهاجرت‌های روستایی، از نگاه پاره‌ای از محققان است.

مفهوم محرومیت نسبی را نخستین بار در دهه 1940 نویسندگان کتاب *سرباز آمریکایی* به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده کردند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خودش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است (نظری و امینی فسخودی، 1387: 197). بدین ترتیب، محرومیت نسبی از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی (کالاها و شرایط زندگی که افراد خود را مستحق آنها می‌دانند) و توانایی‌های ارزشی (کالاها و شرایطی که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آنها را یافت و افراد فکر می‌کنند استعداد به‌دست آوردن و نگهداری آنها را دارند) ناشی می‌شود (سام دلیری، 1382: 2). این تعریف بر برداشت ذهنی از محرومیت تأکید دارد. در این رهیافت، احساس محرومیت نسبی وقتی به وجود می‌آید که فرد مشاهده کند شخص دیگری چیزی دارد که او ندارد و مایل است آن را داشته باشد (رفیع‌پور، 1378: 45). در ایجاد احساس بی‌عدالتی در فرد، عوامل متعددی مؤثر واقع می‌شوند و در شرایط متفاوتی ممکن است به وجود آید که مهم‌ترین آنها افزایش انتظارات² است. معمولاً سرعت رشد انتظارات بیشتر از سرعت بهبود واقعی زندگی است و نتیجه این روند نیز بروز حالت نارضایتی³ است. از جمله عوامل مؤثر در افزایش انتظارات افراد شرایط «خیز اقتصادی» در جامعه است. در این شرایط، افراد معمولاً به سهم خود قانع نبوده، در پی بهتر نمودن و ارتقای موقعیت خود هستند. این وضعیت زمانی حادثتر

و با نسبت‌های بسیار بیشتری متوجه جوامع روستایی بوده است. تا قبل از حاکمیت مطلق اقتصاد نفت در کشور و توسعه شهری، اقتصاد کشاورزی و تولیدات روستایی زیربنای اقتصاد کشور بود و بخش عمده تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌داد؛ اما از آن زمان تا کنون بر اثر تحولات سیاسی-اقتصادی و توسعه شهرنشینی، بتدریج بیشتر روستاهای کشور با از دست دادن نقش تولیدی و جمعیت فعال خود به صورت مهاجر به نقاط شهری، اهمیت اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و دچار مشکلات متعدد و گاه غیر قابل جبران شده‌اند (مستوفی‌الممالکی، 1376: 69). مهاجرفرستی نواحی کم‌توسعه جهان سوم به نواحی توسعه‌یافته‌تری که در آنها سرمایه‌گذاری‌های بیشتری صورت می‌گیرد، کم‌رشدی نواحی مهاجرفرست و شکاف بین آنها با نواحی توسعه‌یافته را سرعت بخشیده و از جریان طبیعی توسعه باز می‌دارد (شکویی، 1369: 117). این جریان علاوه بر آنکه توسعه‌نیافتگی منطقه مهاجرفرست را تقویت می‌کند، به عقیده برخی (Amin, 1974: 104) به نارسایی‌هایی نیز در مقاصد مهاجرپذیر دامن می‌زند. در همین زمینه، چنانکه لهسایی‌زاده (1368: 29) نیز اشاره می‌کند، رکود اقتصادی در یک کشور، بیکاری و نابرابری طبقات درآمدی که ریشه‌هایش را باید در عامل انحصار اقتصادی جستجو کرد، از مهم‌ترین علل و عوامل اقتصادی مهاجرت‌های روستایی به حساب می‌آیند. شکاف اقتصادی و عدم تعادل در توزیع درآمد میان شهر و روستا در ایران از سال‌های اوایل دهه 50 بر اثر ایجاد تأسیسات زیربنایی و تسهیلات زندگی و صنایع مونتاژ در شهرها آغاز شد و بعد از انقلاب اسلامی نیز همچنان ادامه یافت (مستوفی‌الممالکی، 1376: 85).

مهاجرت‌های روستاشهری به عنوان پدیده‌ای فضایی، رفتاری تصادفی و بی‌انگیزه نیست. برخی از محققان مهاجرت را عملی هدفمند و عقلایی می‌دانند که به صورت خودانگیخته و با انتظار اصلاح و یا حفظ کیفیت زندگی فرد صورت می‌گیرد و ابزاری برای حصول به هدف‌های ارزشی است که

¹ relative deprivation

² rising expectation

³ dissatisfaction

بر عهده گرفته‌اند. به لحاظ نظری نیز در نگاه جامعه‌شناسان سنتی چون امیل دورکیم (1369: 144)، جوامع جدید بر اثر گذار از مرحله سنتی به مرحله صنعتی، از انسجامی اورگانیک برخوردار شده و در درون آنها تقسیم کار پیچیده‌ای شکل می‌گیرد و این تقسیم کار مشاغل جدیدی را خلق نموده، در نتیجه اصناف و گروه‌هایی سر برمی‌آورند که در گذشته وجود نداشته‌اند (پیران، 1375: 100). این اتفاق در ایران با ورود صنایع جدید و شکل‌گیری طبقات کارگری و حاشیه‌نشین‌های شهری روی داده است. این گروه‌های محروم قبل از مهاجرت به شهر و پیوستن به طبقه کارگران شهری در جوامع مقصد روستایی خود نیز محروم و فقیر بوده‌اند.

بر اساس آنچه به اختصار مورد بحث قرار گرفت و پیشتر نیز اشاره شد، مطالعه حاضر در پی آن است تا جمعیت‌گرایی روستایی یا تمایل به ترک روستا در منطقه روستایی پادناهی سفلی از توابع شهرستان سمیرم را مورد سنجش قرار داده و علل و عوامل مؤثر بر آن را در چارچوب نظریات و مبانی نظری مرور شده برای تبیین مهاجرت‌های روستایی، بررسی کند. در این راستا، علاوه بر متغیرهای دموگرافیکی، متغیرهای گسترده دیگری نیز در رابطه با وضعیت و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی، ساختار محیط، زیرساخت‌های توسعه‌ای، احساس محرومیت نسبی و سرمایه‌های اجتماعی که علاوه بر تأکید بر آنها در متون و مبانی نظری، از سوی محققان مختلف و در مطالعات تجربی زیادی نیز استفاده شده‌اند، از طریق عملیات میدانی مفصلی هم در جامعه روستایی مبدأ و هم در جامعه مهاجران در شهرهای مختلف مقصد، به شرحی که در قسمت‌های بعد خواهد آمد، مورد پیمایش قرار گرفته‌اند.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی بوده و برای تبیین مسأله مورد بررسی به بهره‌گیری از فنون پیمایش و عملیات میدانی به تدارک داده‌های مورد نیاز پرداخته است. در این راستا، برای پی بردن به علل و عوامل اصلی گریز جمعیت

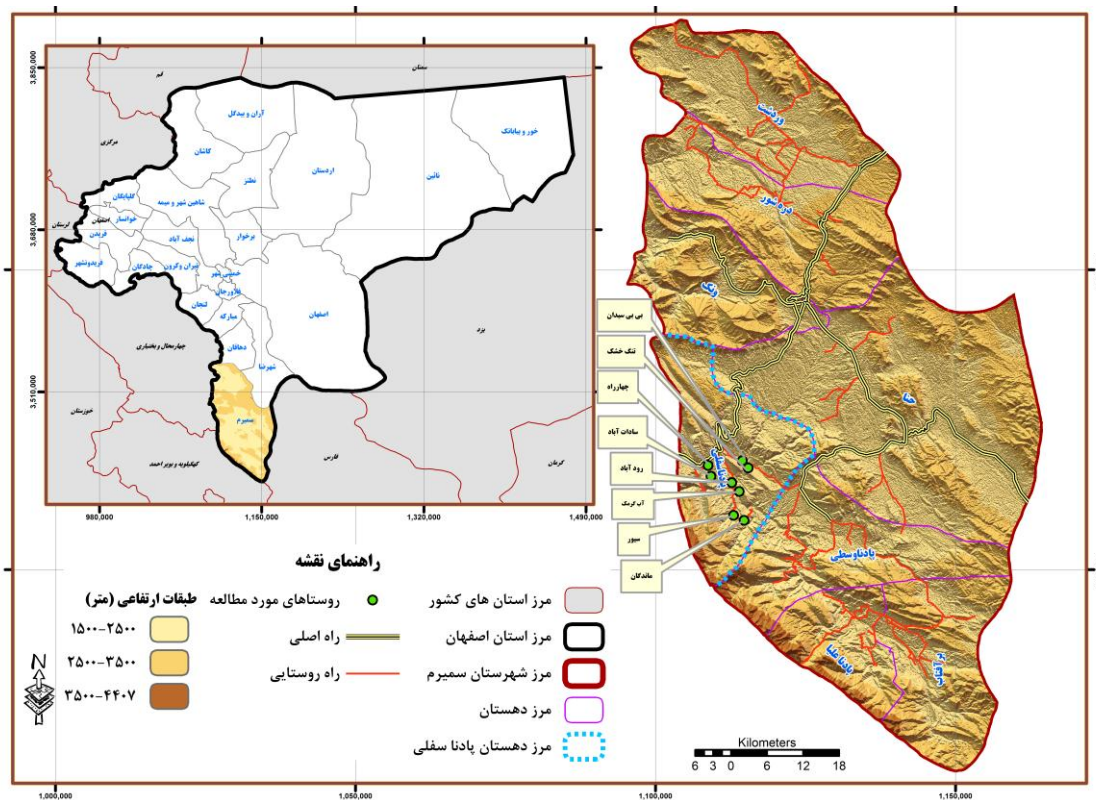
می‌شود که جامعه دچار تبعیض و نابرابری شدید اجتماعی و اقتصادی نیز باشد. در جامعه‌ای که مرحله خیز اقتصادی را پشت سر می‌گذارد، عدم تعادل و همگنی در توزیع درآمدها موجب شکاف درآمدی میان اقشار مختلف جامعه شده، سهم بیشتری از منابع ملی را اقشار برخوردار جامعه نصیب خود می‌نمایند. این وضعیت به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌گردد. در این حال، افراد یا گروه‌ها به فاصله بین آنچه دارند و آنچه فکر می‌کنند باید داشته باشند، بیشتر توجه کرده، دچار احساس محرومیت نسبی و در نتیجه نارضایتی از وضعیت موجود خود می‌شوند. این نظریه در تبیین مهاجرت‌های روستایی جایگاه و توانایی ویژه‌ای دارد. افزایش انتظارات؛ به‌ویژه در نسل جوان روستایی همراه با نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دوقطبی و در حال گذار و خیز اقتصادی؛ فقر، محرومیت نسبی و احساس محرومیت نسبی در مناطق روستایی را تشدید نموده و به تبع به مهاجرت‌های بیشتری به سمت شهرها دامن می‌زند (رضوی، 1377: 91).

البته، در به وجود آمدن و تشدید این احساس و کنش، شرایط و جهش‌های تکنولوژیک جهانی؛ به‌ویژه در عرصه اطلاعات و ارتباطات که نوع نگاه و نگرش انسان امروز به مقولات گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به تبع آن نوع و دامنه نیازها و خواسته‌های مادی و غیر مادی او را به کلی تغییر داده و بر گستره و پیچیدگی‌های آنها نسبت به گذشته فراوان افزوده است، نقش و تأثیر تعیین‌کننده و بسزایی دارند. این را نیز باید افزود که در نتیجه همه تحولات پیش‌گفته و تعامل گسترده و پیچیده بین آنها، بخش‌هایی از جوامع روستایی و حتی جوامع شهری که در برابر این تحولات آسیب‌پذیرتر بوده و عمده جریان‌های مهاجرتی کنشی از سوی آنان در مواجهه با این شرایط به حساب می‌آید، به‌صورت یک قشر متمایز اجتماعی نمود بارزتری از گذشته یافته‌اند و با گسترش دامنه شمول خود، نقش و کارکرد معنادار و متمایزی نیز در الگوهای کلان تقسیم کار اجتماعی

معرفی منطقه

منطقه مورد مطالعه حاضر، دهستان پادنا سفلی از توابع شهرستان سمیرم است. این منطقه کوهستانی در قسمت جنوبی شهرستان و در فاصله 40 کیلومتری آن، بین $30^{\circ} 51'$ تا $40^{\circ} 51'$ طول شرقی و $30^{\circ} 55'$ تا 31° عرض شمالی با ارتفاع متوسط بیش از 2000 متر از سطح دریا واقع شده است. این دهستان از شمال به شهرستان سمیرم، از جنوب به دنا و یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب به لردگان و بروجن در استان چهارمحال و بختیاری محدود می‌شود. شکل 1 موقعیت ریاضی و نسبی منطقه و روستاهای تشکیل‌دهنده نمونه مورد مطالعه را در بستر توپوگرافی همراه با موقعیت جاده‌ها و مناطق همجوار نشان می‌دهد.

از روستاها و مناطق روستایی دهستان پادنا سفلی و همچنین، آزمون نظریات عمده در تبیین مهاجرت برای منطقه مورد مطالعه، علاوه بر ساکنان روستایی، روستاییان مهاجرت کرده از منطقه نیز در این پژوهش مطالعه شده‌اند. شناسایی و ردیابی مهاجران منطقه با مراجعه به خانه‌های بهداشت روستاها و کسب اطلاعات بیشتر نیز از طریق اقوام و آشنایان آنها صورت گرفته و به این ترتیب، بازه زمانی عملیات میدانی پژوهش چندین ماه و گستره مکانی آن نیز علاوه بر هشت روستای بیشتر در معرض گریز جمعیت و تخلیه در منطقه، پنج شهر مقصد مهاجران؛ شهرضا، اصفهان، شیراز، عسلویه و مشهد بوده است.



شکل 1- نقشه موقعیت ریاضی و نسبی منطقه و روستاهای مورد مطالعه

مرتبط با زیرساخت‌ها، منابع آب و خاک، نهادها، نهاده‌ها، تکنولوژی، سیاستگذاری‌ها، مسائل و مشکلات پس از برداشت در بخش کشاورزی و روابط پیشینی و پسینی آن با فعالیت‌های دیگر، ارزیابی وضعیت زیرساخت‌ها و فرصت‌های اشتغال و درآمد غیرزراعی در منطقه، وضعیت و چگونگی قابلیت دسترس‌پذیری منطقه و زیرساخت‌های مربوط به آن، ارزیابی و احساس انواع محرومیت‌های نسبی و ارزیابی از میزان و چگونگی ابعاد و مؤلفه‌های مختلف سرمایه‌های اجتماعی اختصاص دارد. گویه‌های مربوط به همگی متغیرهای پژوهش در قالب طیف پنج قسمتی لیکرت سنجیده شده و همه اجزای پرسشنامه به شرحی که در پی خواهد آمد، قبل از اجرا اعتبارسنجی شده‌اند.

سنجش اعتبار و توصیف آماری متغیرهای پژوهش

پیش از تحلیل نهایی متغیرها، ابتدا به ترکیب اولیه و توصیف آماری آنها می‌پردازیم. جدول (2) تعداد و ترکیب گویه‌های مربوط به هرکدام از متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش و نتایج اعتبارسنجی اولیه آنها، پس از اجرای پیش‌آزمون و بر اساس آزمون آلفای کرونباخ، همراه با خلاصه‌ای از آماره‌های توصیفی آنها را نشان می‌دهد.

فراوانی و تحولات جمعیتی منطقه به‌طور مفصل و به شرح جدول (1) در بخش طرح مسأله، مورد بحث قرار گرفته است.

داده‌ها، ابزار گردآوری و متغیرهای پژوهش

داده‌های مورد استفاده و تحلیل در مطالعه حاضر همگی از نوع داده‌های دست اول بوده که از طریق عملیات میدانی و به کمک پرسشنامه محقق‌ساخته مفصلی در رابطه با متغیرهای پژوهش و مصاحبه با افراد نمونه در دو گروه ساکنان و مهاجران جمع‌آوری شده است. محتوای پرسشنامه از سه بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول برخی از ویژگی‌های دموگرافیک فرد پاسخگو و سرپرست خانوار را شامل می‌شود. در بخش دوم گویه‌های مفصلی در رابطه با ارزیابی فرد پاسخگو نسبت به تمایل به ترک روستا (گریز از روستا) به عنوان متغیر وابسته اصلی پژوهش گنجانیده شده و بخش سوم که قسمت عمده پرسشنامه را دربرمی‌گیرد، گویه‌های مربوط به متغیرهای مستقل تأثیرگذار (چه مثبت و چه منفی) بر تمایل فرد نسبت به ترک روستا را شامل می‌شود. عمده این متغیرها، همان‌گونه که در بخش‌های بعدی معرفی و توصیف خواهند شد، به مواردی، از قبیل: ارزیابی وضعیت انواع مختلف امکانات و تسهیلات، وضعیت مؤلفه‌های متعدد

جدول 2- ترکیب و توصیف آماری متغیرهای پژوهش و سنجش اعتبار آنها

متغیرهای پژوهش	نقش	ترکیب اولیه (pre-test)		اعتبار و توصیف آماری ترکیب نهایی	
		تعداد گویه	α کرونباخ	گویه‌ها	α کرونباخ
روستاگریزی	وابسته	16	0/60	10	0/84
سن (میانه)	مستقل	-	-	-	10
تحصیلات (میانه)	مستقل	-	-	-	دیپلم
ضعف امکانات و تسهیلات	مستقل	8	0/5	5	0/70
ضعف بنیان‌های بخش کشاورزی	مستقل	8	0/61	6	0/72
فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد (غیرزراعی)	مستقل	14	0/68	10	0/81
دورافتادگی و انزوای جغرافیایی	مستقل	4	0/55	3	0/83
احساس محرومیت نسبی	مستقل	7	0/58	5	0/88
سرمایه‌های اجتماعی	مستقل	13	0/53	8	0/75

مهاجرت‌های بیشتر و در نتیجه حجم جمعیت کمتر و ترکیب جمعیتی ضعیف‌تر و ناکارآمدتری برخوردار بوده‌اند، انتخاب شده‌اند و شناسایی مهاجران این روستاها و مقصد مهاجرت آنها با مراجعه به خانه‌های بهداشت صورت گرفته است. عمده‌ترین این مقاصد شهرهای شهرضا، عسلویه، اصفهان، شیراز و مشهد و نوع مهاجرت افراد نیز هم به صورت فردی و هم به صورت خانوادگی بوده و دستیابی به آدرس محل سکونت آنها از طریق اقوام و دوستان آنها در روستاها صورت گرفته است. به این ترتیب، با مراجعه به این شهرها و آدرس‌های مربوطه و با توجه به همکاری خوب مهاجران، تعداد 109 پرسشنامه از کل 178 مورد حجم نمونه (که بر اساس برآورد اولیه $p = 85\%$ و $q = 15\%$ برای متغیر اصلی تمایل به ترک روستا در نمونه‌ای مقدماتی به حجم 28 و به کمک فرمول کوکران محاسبه گردید) در بین مهاجران پنج شهر فوق تکمیل گردید. سهم ساکنان هشت روستای انتخابی از حجم نمونه نیز با توجه به جمعیت کم آنها 69 پرسشنامه بوده است. جدول (3) توزیع نمونه را به تفکیک دو بخش ساکنان و مهاجران و زیربخش‌های آنها همراه با توصیف ویژگی‌های دموگرافیک جنس، تأهل، سن و تحصیلات آنها نشان می‌دهد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، اگرچه دو گروه در مجموع در رابطه با تحصیلات وضعیت نسبتاً یکسانی در حد دیپلم دارند؛ اما هر دو متغیر سن و تأهل در گروه مهاجران بالاتر از گروه ساکنان است. این امر بیانگر آن است کسانی که روستا را ترک می‌کنند، بیشتر به صورت خانوادگی و در سن فعالیت دست به مهاجرت می‌زنند. در مجموع، میانه سنی کل پاسخگویان در حد 25 سال بوده و بیش از نیمی از آنان نیز متأهل بوده‌اند. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، 109 نمونه مهاجران هم مربوط به همان هشت روستای انتخاب شده بوده‌اند؛ برای مثال، کمترین تعداد نمونه (13 پرسشنامه مهاجران و 1 پرسشنامه ساکنان) در کل مربوط به روستای بی‌بی سیدان بوده

چنانکه ملاحظه می‌شود، پس از متغیر احساس محرومیت نسبی، کمترین میانگین مربوط به متغیر جمعیت‌گریزی به عنوان متغیر وابسته اصلی بوده است. به عبارت دیگر، میانگین ارزیابی پاسخگویان در رابطه با عوامل و متغیرهای اثرگذار بر روستاگریزی بیشتر از میانگین تمایل آنها به خود این متغیر (گریز از روستا) بوده است. این امر نکته‌ای قابل تأمل است و نشان از آن دارد که تمایل به ترک روستا در پی فشار و تأثیر این متغیرها و عوامل شکل گرفته و نهایتاً عملی خواهد شد. به عبارت دیگر، گریز از روستا برای مردمانی که طی قرن‌ها با این شیوه، اگرچه همراه با کاستی‌ها، گزندها و نارسایی‌ها اما به‌سامان زیسته‌اند، اقدامی از سر ناگزیری و به عنوان آخرین راه چاره¹ در دوران معاصر مطرح است. انحراف معیار تمامی متغیرها نیز کمتر از 0/9 است که نتیجه‌ای مطلوب بوده و با توجه به دوبخشی بودن نمونه آماری، نشان‌دهنده همگونی نسبی آن و تمرکز نسبتاً بالای مقادیر متغیرها در اطراف میانگین آنهاست. نتایج آزمون آلفای کرونباخ در رابطه با هر متغیر نیز، که مقادیر مربوطه را پس از اجرای پیش‌آزمون و حذف گویه‌های ناهمگون نشان می‌دهد، بیانگر روایی² قابل قبول و در حد بالای همه اجزای پرسشنامه است.

نتایج و بحث

توصیف جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش جمعیت روستایی دهستان پادانای سفلی از توابع شهرستان سمیرم است و نظریه اینکه موضوع مورد مطالعه روستاگریزی این جمعیت و عوامل مؤثر بر آن است، جامعه آماری علاوه بر ساکنان منطقه، مهاجران از منطقه را هم شامل می‌شود. به این ترتیب، نمونه آماری پژوهش را نیز دو بخش ساکنان و مهاجران تشکیل می‌دهند. از بین روستاهای منطقه هشت روستا (به شرح جدول 3) که از میزان

¹ last resort

² reliability

است که طی دهه 75 تا 85 با از دست دادن بخش عمده‌ای از جمعیت خود؛ به‌ویژه قشر جوان به‌صورت مهاجرت دائمی، در معرض تخلیه شدن قرار گرفته و به همین دلیل هم سهم ساکنان آن از حجم نمونه بسیار اندک بوده است.

جدول 3- توزیع نمونه و توصیف آماری ویژگی‌های دموگرافیک آن

روستا / مقصد مهاجرت	حجم نمونه			سن (میانگین)	تأهل (درصد)	تحصیلات (میانگین)
	کل	مرد	زن			
رودآباد	10	4	6	21/3	50	دیپلم
آبگرمک	12	4	8	25/0	58	زیر دیپلم
چهارراه	11	7	4	24/2	18	دیپلم
سادات‌آباد	7	4	3	35/0	86	دیپلم
ساکنان تنگ خشک	5	1	4	23/3	40	زیر دیپلم
بی‌بی سیدان	1	0	1	30/0	100	دیپلم
سیور	11	5	6	20/6	36	دیپلم
ماندگان	12	5	7	24/2	33	دیپلم
مجموع	69	30	39	23/5	45	دیپلم
شهرضا	30	16	14	26/7	67	زیر دیپلم
عسلویه	21	20	1	27/2	38	دیپلم
شیراز	15	9	6	26/3	67	دیپلم
مهاجران اصفهان	26	17	9	25/5	58	دیپلم
مشهد	17	11	6	28/0	71	دیپلم
مجموع	109	73	36	26/5	65	دیپلم
جمع کل	178	103	75	25/0	54	دیپلم

مقایسه میانگین روستاگرایی و عوامل مؤثر بر آن بین ساکنان و مهاجران

در ادامه توصیف آماری متغیرها، در این قسمت به توصیف و مقایسه میانگین آنها بین دو گروه ساکنان و مهاجران می‌پردازیم. جدول (4) نتیجه این تحلیل را با استفاده از آزمون پارامتری t نشان می‌دهد. چون دو متغیر سن و تحصیلات به‌صورت رتبه‌ای سنجیده شده‌اند، برای توصیف دامنه‌های عددی ترتیبی سن، میانگینها محاسبه و مقایسه شده‌اند و طبقات رتبه‌ای تحصیلات نیز به کمک آزمون ناپارامتری من‌وایت‌نی یو و تحلیل رتبه‌ها در بین دو گروه مقایسه شده است.

مطابق نتایج بین دو گروه ساکنان و مهاجران به لحاظ اینکه بین هیچ کدام از متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میانگین‌های گروهی بسیار به

یکدیگر نزدیک هستند؛ شاید بتوان گفت که هیچ کدام از متغیرهای مورد مطالعه وجه تمایز بین ساکنان و مهاجران محسوب نمی‌شوند (اجرای تحلیل تشخیصی بهتر قادر به آزمون چنین فرضیه‌ای است). به این ترتیب، مدعای نظریه کارکردگرایان در تبیین مهاجرت مبنی بر اینکه مهاجران در شهر تحرک طبقاتی رو به بالا را تجربه می‌کنند، با چالش مواجه بوده، قادر به تبیین پدیده تمایل و کنش گریز از روستا در رابطه با جامعه مورد مطالعه حاضر نیست. به علاوه، از فرضیات دیگری که در ادبیات کلاسیک مهاجرت بر آن تأکید می‌شود، جوان‌گزینی این پدیده است. نتایج حاصل این فرضیه را نیز تأیید نمی‌کند. به‌طور کلی، علاوه بر جستجوی شغل در مهاجران جوان، دسته‌ای از مهاجران؛ به‌ویژه غیرشاغل کسانی هستند که ممکن است در روستا نیز از شغل و درآمد کافی

وابسته روستاگریزی نیز در این دو گروه یکسان خواهد بود و تفکیک و تمایز گروهی برای این تحلیل ضرورتی نخواهد داشت. به همین دلیل، در قسمت بعد، بررسی این رابطه و چگونگی آن را در سطح کل نمونه پی خواهیم گرفت.

برخوردار باشند و احتمالاً برای استفاده از امکانات شهر اقدام به مهاجرت کنند. این بار نیز در هر دو گروه میانگین متغیر وابسته روستاگریزی از دیگر متغیرهای اثرگذار بر آن کوچک‌تر است.

یکسان بودن میانگین همه متغیرها بین دو گروه، به این معنی است که نحوه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر

جدول 4- مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بین ساکنان و مهاجران

متغیرهای پژوهش	میانگین‌های گروهی		مقایسه میانگین‌ها	
	ساکنان	مهاجران	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
روستاگریزی	3/21	3/19	-0/10	0/92
سن (میانه)	23/5	26/5	0/99	0/32
تحصیلات*	89/7	86/9	-0/38	0/70
ضعف امکانات و تسهیلات	3/39	3/51	1/12	0/26
ضعف بنیان‌های بخش کشاورزی	3/32	3/45	1/10	0/27
فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد (غیرزراعی)	3/45	3/38	-0/58	0/56
دورافتادگی و انزوای جغرافیایی	3/46	3/42	-0/30	0/76
احساس محرومیت نسبی	3/15	2/99	-1/10	0/25
سرمایه‌های اجتماعی	3/23	3/30	0/61	0/54

*در رابطه با متغیر رتبه‌ای تحصیلات، آزمون من‌وایت‌نی یو اجرا شده و میانگین رتبه‌های گروهی گزارش شده‌اند.

کمبود امکانات و خدمات، ضعف بنیان‌های بخش کشاورزی، فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد در خارج از بخش کشاورزی، دورافتادگی و انزوای جغرافیایی، احساس محرومیت نسبی و میزان فعالیت و بهره‌مندی از سرمایه‌های اجتماعی، به‌عنوان متغیرهای مستقل (یا پیش‌بین) وارد مدل رگرسیون و با استفاده از روش stepwise تحلیل شدند.

نتایج به‌دست آمده از حل مدل پس از چهار تکرار گویای آن است که از میان هشت متغیر فوق، پنج متغیر سن، کمبود امکانات و خدمات، فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد غیر زراعی، احساس محرومیت نسبی و سرمایه‌های اجتماعی تأثیر معنی‌داری بر تمایل افراد به ترک روستا (روستاگریزی) داشته‌اند و متغیرهای تحصیلات، ضعف

تحلیل رگرسیون روستاگریزی بر اساس عوامل تأثیرگذار اجتماعی و اقتصادی

اجرای تحلیل رگرسیون و به‌کارگیری مدل‌های رگرسیونی به‌منظور بررسی و تشخیص متغیرهای مؤثر (مثبت یا منفی) در تبیین واریانس یک متغیر وابسته، مستلزم آن است که هرکدام از آنها به‌صورت متغیری واحد و در مقیاسی حداقل فاصله‌ای در دسترس باشند. متغیرهای به‌کار گرفته شده در مطالعه حاضر، به شرحی که پیشتر نیز اشاره و بیان گردید، با میانگین‌گیری از گویه‌های مربوط به هرکدام حاصل شده‌اند. برای بررسی و تعیین عوامل و متغیرهای مؤثر در روستاگریزی به‌عنوان متغیر وابسته، علاوه بر متغیرهای دموگرافیکی سن و تحصیلات، متغیرهای محیطی، جامعه‌شناختی و جغرافیایی

مدل» به عنوان نخستین قسمت خروجی، اطلاعاتی درباره کلیت مدل ارائه می‌دهد.

جدول 5- ضریب همبستگی و ضریب تعیین (خلاصه مدل) در تحلیل رگرسیون روستاگریزی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده
0/504	0/254	0/169

قسمت بعدی از خروجی آنالیز رگرسیون (جدول ANOVA) در واقع چندین فرضیه صفر مبنی بر وجود رابطه خطی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، وجود و معنی‌داری ضرایب رگرسیونی و وجود و معنی‌داری R^2 را آزمون می‌کند.

جدول 6- تحلیل واریانس متغیر وابسته روستاگریزی در تحلیل رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
رگرسیونی	43/15	5	8/63	11/02	0/000
باقیمانده	133/85	171	0/87		
مجموع	177	176			

مقدار 11/02 برای F با سطح معنی‌داری بیش از 99 درصد تأییدی بر وجود رابطه خطی بین روستاگریزی و متغیرهای مستقل پیش‌گفته است و همچنین، بدین معنی است که دست‌کم یکی از این متغیرها در معادله رگرسیونی روستاگریزی دارای ضریب معنی‌دار است. این آزمون را که آنالیز واریانس متغیر وابسته و تقسیم نمودن آن به دو بخش رگرسیونی (که توسط مدل رگرسیون خطی توجیه می‌شود) و باقیمانده (که توسط مدل توجیه نمی‌شود) است، آزمون F رگرسیون کلی² نیز می‌نامند. در جدول (7) به عنوان آخرین قسمت خروجی، ضرایب متغیرهای مستقل دارای تأثیر معنی‌دار (پنج متغیر فوق) به‌همراه سطح معنی‌داری آنها گزارش شده است.

بنیان‌های بخش کشاورزی و دورافتادگی جغرافیایی فاقد تأثیر معنی‌دار در این رابطه بوده‌اند. جدول (5) با عنوان «خلاصه

مقدار 0/5 برای R بیانگر مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر وابسته (روستاگریزی) و متغیرهای مستقل مدل است. به عبارت دیگر، بین متغیر گریز از روستا با برآورد آن از روی معادله رگرسیونی پنج متغیر سن، کمبود امکانات و خدمات، فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد غیر زراعی، احساس محرومیت نسبی و سرمایه‌های اجتماعی، همبستگی معنی‌داری به میزان 50 درصد وجود دارد. R^2 یا «ضریب تعیین» که مجذور ضریب همبستگی چندگانه فوق است، معرف درصدی از پراکندگی (واریانس) متغیر وابسته است که توسط مدل توجیه یا تبیین می‌شود. بنابراین، بیش از 25 درصد از واریانس متغیر روستاگریزی را پنج متغیر فوق تبیین می‌کنند که مقداری قابل توجه بوده و برازش نسبتاً خوب مدل را می‌رساند. این شاخص به نوعی مهم‌ترین خروجی تحلیل رگرسیون بوده، معیاری برای ارزیابی مناسب بودن مدل محسوب می‌شود. مقدار R^2 تعدیل شده¹ نیز برآوردی است از این که مدل ارائه شده چه اندازه با داده‌های دیگری که از همان جامعه گرفته شود، برازش خواهد داشت. مقدار عددی این شاخص همیشه به علت احتساب درجات آزادی پارامترهای بیشتری در محاسبه آن، از مقدار R^2 کوچک‌تر است. مفهوم ضمنی این معیار این است که پنج متغیر تأثیرگذار فوق که در این مطالعه و بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از یک نمونه مشخص، 25 درصد از واریانس روستاگریزی را تبیین می‌کنند، به‌طور کلی و بدون توجه به یک نمونه معین، تحت هر شرایط دیگری نیز قادر به تبیین نزدیک به 17 درصد از واریانس این متغیر هستند.

²overall regression F test

¹ Adjusted R Square

جدول 7- ضرایب متغیرهای مستقل دارای تأثیر معنی‌دار در تحلیل رگرسیون روستاگریزی

متغیرهای مستقل (پیش‌بین)	ضرایب استاندارد (β)	آماره t	سطح معنی‌داری
سن	-0/137	-2/03	0/044
ضعف امکانات و تسهیلات	0/181	2/53	0/010
فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد (غیرزراعی)	0/250	3/50	0/001
احساس محرومیت نسبی	0/346	5/13	0/000
سرمایه‌های اجتماعی	-0/200	-3/00	0/003

است و می‌توان گفت انزوای اطلاعاتی و ارتباطی، نقشی بیشتر از انزوای جغرافیایی در گریز جمعیت از روستا ایفا می‌کند. بنابراین، احساس و ادراک جامعه مورد مطالعه از محرومیت نسبی نیز بیشتر جنبه روانی داشته، به موقعیت و منزلت اجتماعی افراد مربوط می‌شود. به این ترتیب، نقش و تأثیر بازدارنده متغیر سرمایه‌های اجتماعی نیز که در روابط و مناسبات اجتماعی، ایفای نقش‌های مؤثر و درخور اجتماعی و اعتماد و انسجام اجتماعی متجلی می‌شود، بهتر قابل درک خواهد بود. همچنین، تأثیر منفی متغیر دموگرافیکی سن در تمایل و اقدام به ترک روستا نیز به انتظارات، ادراک، احساس و گریز بیشتر نسل جوان از نابرابری‌ها و محرومیت‌ها و تلاش و امید آنان به برخورداری از آینده‌ای بهتر و کاستن از تبعیض و فاصله اقتصادی و اجتماعی با جامعه شهری، در مقایسه با افراد مسن‌تر دارد که به هر حال و به هر دلیلی انگیزه یا امیدی برای چنین تلاش‌هایی ندارند.

نتیجه‌گیری

مهاجرت‌های روستاشهری گسترده و خارج از حده متعارفی که به شکل گریز از روستا و سازوکارهای روستایی درآمده‌اند، از جمله معضلات ساختاری و کلان اجتماعی و اقتصادی است که کشورهای کم‌توسعه جهان سوم با آن دست به‌گریبان هستند. این پدیده که تحولات تکنولوژیک و صنعتی و به‌ویژه انقلاب ارتباطات و اطلاعات در عصر و سده اخیر بر گستره، تأثیرات و در نتیجه، اهمیت آن بیش از پیش افزوده، برآمده از

با توجه به این ضرایب که به‌صورت استاندارد (Beta) گزارش شده‌اند، بیشترین نقش و تأثیر در تبیین واریانس روستاگریزی را به ترتیب متغیرهای احساس محرومیت نسبی، فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد غیرزراعی، سرمایه‌های اجتماعی، سن و نهایتاً ضعف امکانات و تسهیلات داشته‌اند. در این میان، احساس محرومیت نسبی، فقدان زیرساخت‌های اشتغال و درآمد و ضعف امکانات و تسهیلات، محرک‌های تقویت‌کننده گریز از روستا بوده و دو متغیر سرمایه‌های اجتماعی و سن نقشی بازدارنده در این رابطه ایفا نموده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از میان ابعاد و مؤلفه‌های اقتصادی، متغیرهای مرتبط با ضعف ساختارهای اشتغال و درآمد در بخش‌های غیرکشاورزی نقش و تأثیر معنی‌دار داشته‌اند، در حالی که تأثیر ضعف بخش کشاورزی در این رابطه معنی‌دار نبوده است. این امر به‌طور کلی، بیانگر آن است که بنیان‌های اقتصادی منطقه از ساختاری سنتی برخوردار بوده و سهم صنعت و خدمات در آن رشدی متناسب با نیازهای منطقه و دست‌کم در حد دیگر مناطق همجوار در سطح استان نداشته‌اند. همچنین، درخور توجه است که نقش و تأثیر معنی‌دار ضعف امکانات و تسهیلات بسیار کمتر از متغیرهای دیگر بوده و بنابراین، بخش عمده‌ای از احساس محرومیت نسبی که بیشترین نقش و تأثیر را در تبیین روستاگریزی افراد داشته است، به ابعاد و عواملی غیرفیزیکی و غیرمرتبط با امکانات و تسهیلات برمی‌گردد. در همین رابطه، دورافتادگی و موقعیت نسبتاً نامناسب جغرافیایی نیز تأثیر معنی‌دار نداشته

اسلامی نیز ادامه یافت.

نظریه‌پردازان متعددی به بررسی و تبیین علل و پیامدهای مهاجرت‌های روستاشهری پرداخته‌اند. کارکردگرایان آن را مکانیسمی می‌دانند که به واسطه آن نظام اجتماعی تعادل خود را باز می‌یابد. نظریه‌پردازان وابستگی با انتقاد از کارکردگرایان، مهاجرت روستاییان به شهرها را حاصل نظام سلطه سرمایه‌داری می‌دانند که برای تأمین نیروی کار ارزان، روستاییان را به شهرها می‌کشاند و آنها را پرولتاریزه می‌کند. دیدگاه شکل‌بندی اجتماعی؛ اما به علل و عوامل متعددی برای بررسی به این گونه مهاجرت‌ها توجه می‌کند. حرکات جمعیتی به عنوان کنش متقابل بین انسان و محیط مسلماً از توزیع و کیفیت امکانات محیطی که فرد با آن در رابطه است و شناخت و آگاهی فرد پیرامون چگونگی توزیع این امکانات تأثیر می‌پذیرد. انتظارات یا چشم‌داشت‌های اجتماعی نیز که در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی متجلی می‌شوند، به‌طور مشخص در این زمینه نقش ایفا می‌کنند. در یک نظام اجتماعی زمانی انسان‌ها اقدام به مهاجرت می‌کنند که انتظارات آنها از توزیع امکانات موجود و دسترسی به آنها مطلوب نبوده و توقع دارند با مهاجرت به محیط یا منطقه دیگری انتظاراتشان بیشتر مرتفع گردد. با مرور مفاهیم و نظریات موجود، در مطالعه حاضر نیز متغیرهای متنوعی در رابطه با ارزیابی وضعیت امکانات و تسهیلات، زیرساخت‌ها، منابع، سیاست‌گذاری‌ها و مشکلات بخش کشاورزی، وضعیت زیرساخت‌ها و فرصت‌های اشتغال و درآمد در بخش‌های غیرزراعی، دسترسی پذیری‌ها، درک و احساس محرومیت‌های نسبی و ارزیابی میزان و چگونگی ابعاد و مؤلفه‌های مختلف سرمایه‌های اجتماعی، از طریق عملیات میدانی گسترده‌ای هم در جامعه روستایی مبدأ و هم در جوامع شهری مقصد مهاجران منطقه مورد مطالعه، بررسی و نتایج حاصل از تحلیل‌های صورت گرفته در رابطه با تأثیر آنها در تمایل و اقدام افراد به ترک و گریز از روستا، نشان داد که متغیرهایی، چون: احساس محرومیت نسبی، فقدان زیرساخت‌های اشتغال

بنیادها و ساختارهای ناکارآمد و ناتوانی در مواجهه با شرایط و اقتضائات این عصر و زمانه است که همچنان بازتولید شده و در ایران نیز همانند اغلب کشورهای در حال رشد جهان سوم، به عنوان امری محتوم و واقعیتی اجتناب‌ناپذیر به رشد خود ادامه داده و به نابسامانی‌ها و نارسایی‌های معناداری در جریان کلی رشد و توسعه درونزا و متوازن جامعه دامن می‌زند. به عبارت دیگر، مهاجرت از روستا به شهر و گریز جمعیت از روستا به سوی شهر، به لحاظ تاریخی و از نگاه سیستمی حلقه‌ای از زنجیره تأثیر و تأثرات و کنش و واکنش‌ها در درون جوامعی است که در مواجهه با سازوکارها و سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی حاکم بر دنیای جدید و به عبارتی در مسیر توسعه، حالتی دوقطبی پیدا کرده و بخش پیشرو شهری با تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌های توسعه‌ای و تکنولوژی‌های وارداتی، به صورت مقصد جمعیت انبوهی درآمده است که در بخش کم‌توسعه و روستایی و در مواجهه با شرایط نوین جهانی شیرازه اجتماعی و سامان اقتصادی پیشین خود را از دست داده و آن را برای زیستن در دنیای جدید و چالش با آن ناکارآمد و ناتوان یافته‌اند.

جریان طبیعی چنین جابه‌جایی‌هایی در درون همه جوامع همواره و در همه جا وجود داشته‌است و در جوامعی که آغازگر توسعه نوین و به وجود آورنده انقلاب صنعتی بوده‌اند و جریان انتقال سرمایه‌های انسانی بین بخش‌های مختلف تولید و اقتصاد به صورت منطقی صورت پذیرفته، منشأ تحولات سازنده و مفیدی هم بوده است. این جابه‌جایی‌ها در کشورهای جهان سومی دورمانده از تحولات درونزای عصر رنسانس و نوآفرینی‌های پس از آن، معمولاً از سر استیصال و گریز از شرایط نامطلوب محیطی، اقتصادی و گاه اجتماعی صورت گرفته و به ناگزیر نه تنها هیچ‌گاه نتوانسته به جریان توسعه و تحول جامعه کمک کند، بلکه همواره پیامدهای منفی و معضلاتی را هم در پی داشته است. در ایران روند مهاجرت‌های روستاشهری با اصلاحات ارضی شدت یافت و وارد مرحله جدیدی شد که این روند همچنان پس از انقلاب

کشاورزی، ترجمه: محمد رضانیان، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. پیران، پرویز. (1375). «نگاهی به مفهوم فقر و فقرزدایی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش 107 و 108، صص 100-109.

جوان، جعفر و امیرمحمد علوی‌زاده. (1388). «متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی رویکردی در توسعه پایدار»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، کرمانشاه*.

جوان، جعفر، امیرمحمد علوی‌زاده و مهدی کرمانی. (1390). «نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی شهرستان سمیرم»، *جغرافیا (فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران)*، ش 29، صص 17-42.

دورکیم، امیل. (1384). *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

رضوی، حسن. (1377). *روستا، فقر، توسعه، مفاهیم و رهیافت‌ها و شاخص‌ها*، جلد اول، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش 31.

رفیع‌پور، فرامرز. (1378). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران: سروش.

سام دلیری، کاظم. (1382). «سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش 22، صص 813-826.

شکویی، حسین. (1369). *جغرافیای اجتماعی شهرها*، چاپ دوم، تهران: جهاد دانشگاهی.

صرافی، مظفر. (1381). «مهاجرت داخلی و مسأله مدیریت شهری با تأکید بر شرایط ایران»، *فصلنامه مدیریت شهری*، سال سوم، ش 10، صص 6-15.

و درآمد غیرزراعی و ضعف امکانات و تسهیلات نقش و تأثیر تحریک‌کننده و برانگیزاننده و سن و سرمایه‌های اجتماعی نیز نقشی بازدارنده در این رابطه ایفا نموده‌اند. این امر بیانگر آن است که هنوز در جامعه هدف، با اتکا به بنیادهای اجتماعی درونی و به‌ویژه تقویت و سازماندهی آنها، می‌توان برای غلبه بر ضعف‌ها و کاستی‌ها بهره‌هایی برگرفت. در جوامع روستایی همچون جامعه مورد مطالعه، که از محرومیت‌ها و ضعف‌های زیربنایی عدیده‌ای رنج می‌برند، تلاش برای تنوع بخشیدن به فعالیت‌ها و زیرساخت‌های اقتصاد روستایی؛ به‌ویژه در بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی¹ و به‌طور کلی صنعتی‌سازی کشاورزی² همراه با سرمایه‌گذاری‌هایی در بخش‌های صنعت و خدمات، متناسب با ساختار تولیدی و جمعیتی منطقه، در تثبیت جمعیت و رونق بخشیدن به حیات اقتصادی و اجتماعی نقش و تأثیر بسزایی ایفا خواهد نمود.

مطالعات بسیاری، از جمله: جوان و علوی‌زاده (1388)، Tobgay (2005) در بوتسوانا، Sakurai and Yokoyama (2006) در رابطه با جوامع روستایی ژاپن، Chadha (2011) در هند و Joshi et al. (2002) در آفریقای جنوبی، که در حوزه‌های متفاوتی هم صورت گرفته‌اند، تأکید مشابهی بر این مسأله دارند. مطالعه جوان و دیگران (1390) با عنوان «نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی شهرستان سمیرم» و مطالعه علوی‌زاده و میرلطفی (1392) با عنوان «نقش اقتصاد غیر زراعی در ماندگارسازی روستاییان در مناطق روستایی شهرستان سمیرم» که هر دو در منطقه مورد مطالعه حاضر صورت گرفته‌اند، به‌طور ویژه و عمقی به تبیین این رویکرد و نتایج مورد انتظار آن پرداخته‌اند.

منابع

ایاکوویتتا، دیوید. (1379). *روابط بین سالخوردگی جمعیت روستایی و انتقالات میان‌نسلی زمین و تولید*

¹ agro-business

² agro-industrialization

- Sakurai, S. and Yokoyama, S. (2006) *Rural diversification and social capital in rural Japan*. International Association of Agricultural Economists Conference, Gold Coast, Australia.
- Shefer, D. and Steinvortz, L. (1993) "Rural-To-Urban and Urban-To-Urban Migration Patterns in Colombia". *Habitat International*, N. 17(1), P.133-50.
- Tobgay, S. (2005) *Agriculture diversification in Bhutan*. Ministry of Agriculture, Bhutan.
- UNESCAP (United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific). 2001. *Poverty, unemployment and rural industrialization*.
- Zax, S.J. (1994) "When Is A Move A Migration?" *Regional Science and Urban Economics*, N. 24, P. 341-360.
- طاهرخانی، مهدی. (1380). «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا/ شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش 16 (3)، پیاپی 62، ص 67-93.
- علوی‌زاده، امیرمحمد و محمودرضا میرلطفی. (1392). «نقش اقتصاد غیر زراعی در ماندگارسازی روستاییان در مناطق روستایی شهرستان سمیرم»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال 3، ش 10، صص 71-82.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (1368). نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.
- مرکز آمار ایران. (1365، 1375، 1385 و 1390). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان (شهرستان سمیرم)، تهران.
- مستوفی‌الممالکی، رضا. (1376). «تحلیل اجتماعی- اقتصادی و سیاسی عوامل مؤثر در پیدایش و روند مهاجرت‌های روستایی به نقاط شهری کشور و عواقب آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش 47، صص 78-99.
- نظری، جواد و عباس امینی فسخودی. (1387). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره 27، ش 1، پیاپی 54، (ویژه‌نامه جمعیت و توسعه)، صص 187-210.
- Amin, S. (1974) *Modern migrations in western Africa*. Oxford University Press.
- Chadha, G.K. (2011) *Agricultural diversification and rural industrialization: some policy issues from Indian experience*, JNU, New Delhi.
- Guedry, L.Y. (1997) "Employment Impacts of Rural Industrialization", *Louisiana Rural Economist*, N. 39(3), P 3-15.
- Joshi, P.K. Gulati, A. Birthal, P.S. and Tewari, L. (2002) *Agriculture diversification in South Asia: patterns, determinants, and Policy implications*. RGoB, MoA-NCAP-IFPRI workshop on "agricultural diversification in South Asia". Paro, Bhutan.